

تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی

(شماره‌های ۱-۲۸)

مرضیه مروتی*

مربی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه زابل

سعید حسامپور

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی صورت گرفته است. این پژوهش به صورت پیمایشی و با استفاده از روش تحلیل استنادی انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه را مقاله‌های شماره‌های ۱ تا ۲۸ این مجله تشکیل می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ منتشر شده‌اند. هم‌تألیفی پدیدآورندگان مقاله‌ها، تمایل بیشتر پژوهشگران را به تألیفات انفرادی نشان می‌دهد. دانشگاه فردوسی مشهد پرتولیدترین مؤسسه شناخته شد. همچنین، بیشترین هم‌تألیفی در میان مؤسسات به وسیله دانشگاه تربیت مدرس انجام شد. میانگین استناد برای هر مقاله ۲۱/۹ به دست آمد. بیشترین استناد به کتاب‌ها (۷۶/۲۴ درصد) و سپس به مجلات (۲۱/۱۶ درصد) است. از نظر زبان، منابع فارسی (۶۹/۰۵ درصد) بیشترین استنادها را داراست. محمدرضا شفیعی کدکنی، سیروس شمیسا و تزوتان تودروف پراستنادترین نویسندگان شناخته شدند. محمد نبوی پراستنادترین مترجم در این حوزه است. ساختار و تأویل متن پراستنادترین کتاب، و فصلنامه نقد ادبی و *New Literary History* پراستنادترین مجله است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل استنادی، فصلنامه نقد ادبی، استناد، نویسندگی.

* نویسنده مسئول: morovatim@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۳

۱. مقدمه

یکی از متداول‌ترین فنون کتاب‌سنجی، مطالعه استنادی یا تحلیل استنادی است که در آن قواعد حاکم بر رابطه میان مدرک استناددهنده (متن) و مدرک مورد استناد (سند) جست‌وجو و مطالعه می‌شود (حری، ۱۳۸۱) و براساس استنادهای تعلق‌گرفته به متون علمی، به ارزیابی آن متون می‌پردازد (عصاره، ۱۳۷۷). بررسی و تحلیل استنادی مقالات مجلات کشور در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران داخلی بوده است که نشان از اهمیت فزاینده مطالعات استنادی در حوزه‌های گوناگون پژوهشی دارد؛ برای نمونه می‌توان به تحلیل استنادی مقالات *فصلنامه معرفت فلسفی* (همایی و دیگران، ۱۳۹۰)، *مجله سلامت کار ایران* (علی‌گل و دیگران، ۱۳۹۰)، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی* (زارعی و صدیقی، ۱۳۹۲)، *فصلنامه مطالعات راهبردی* (زارعی و خدادادشهری، ۱۳۹۳)، *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی* (علی‌نژاد چمازکتی، ۱۳۹۳)، *فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی* (ابراهیمی میلاجردی و ریاحی‌نیا، ۱۳۹۳)، *فصلنامه پی‌اورد سلامت* (قاضی میرسعید و دیگران، ۱۳۹۳)، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی* (علی‌نژاد چمازکتی و دیگران، ۱۳۹۳)، *فصلنامه نهج‌البلاغه* (سلامی و دیگران، ۱۳۹۳)، *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم* (خالقی و دیگران، ۱۳۹۳)، *مجله مهندسی فرهنگی* (آقامحمدی و بصیرنیا، ۱۳۹۳)، *مجله جستارهای زبانی* (زارعی و خدادادشهری، ۱۳۹۴)، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی* (رضایت، ۱۳۹۴)، *مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند* (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴) و *فصلنامه مطالعات ملی* (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

فصلنامه نقد ادبی یکی از مجلات مهم و معتبر در رشته زبان و ادبیات فارسی است که از بهار سال ۱۳۸۷ با هدف فراهم کردن فضایی برای عرضه دیدگاه‌ها و روش‌های نو در نقد ادبی منتشر شده است. خط مشی و هدف بنیادین فصلنامه بر حمایت از تفکر انتقادی و انتشار مطالعات ادبی با رویکردهای نقادانه متمرکز است. تأکید مجله بر انتشار مقاله‌هایی است که در گسترش تفکر انتقادی در دو زمینه نظریه ادبی و نقد عملی کارآمد باشد؛ زمینه‌های تفکر نظری و تأملات تئوریک را در پژوهش‌های ادبی فارسی تدارک ببیند؛ راهی برای کاربردی‌ترین نظریه‌ها و روش‌های نقد در ادبیات وطنی بگشاید؛ خوانندگان را به شناخت قابلیت‌های نظریه‌پردازی در ادبیات وطنی رهنمون

شود و میان نظریه‌های جهانی نقد ادبی و ادبیات فارسی پیوندی برقرار کند (سامانه فصلنامه نقد ادبی، درباره نشریه). *فصلنامه نقد ادبی* با دارا بودن ضریب تأثیر یک، رتبه نخست مجلات علمی - پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس را در کارنامه خود دارد (سامانه فصلنامه نقد ادبی، اخبار و اعلانات) و در فهرست ده نشریه علمی برتر پایگاه استنادی علوم جهان اسلام در حوزه علوم انسانی قرار دارد.

کارکرد مهم این مجله در انعکاس اندیشه‌های فاخر انتقادی صاحب‌نظران و متخصصان حوزه ادبیات از یک سو و اثرگذاری زیاد مقاله‌های این مجله از سوی دیگر، تحلیل استنادی و هم‌تألیفی پدیدآورندگان مقاله‌های این مجله را ضروری می‌نماید. بدین منظور، پژوهش حاضر برآن است تا ضمن بررسی هم‌تألیفی مقاله‌های این مجله، ویژگی‌های استنادی آن‌ها را تحلیل کند: تعداد کل استنادها؛ میانگین استنادها؛ بیشینه و کمینه استنادها؛ توزیع انواع منابع اطلاعاتی مورد استناد؛ زبان غالب استنادها؛ منابع تألیفی و ترجمه‌ای؛ نویسندگان و مترجمان پراستناد؛ در پایان نیز کتاب‌ها، مجلات و مقالات پراستناد در حوزه نقد ادبی بررسی شده است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست:

۱. هم‌تألیفی مقاله‌های *فصلنامه نقد ادبی* چگونه است؟
۲. ویژگی‌های استنادی مقاله‌ها از نظر تعداد کل استنادها، میانگین استنادها و بیشینه و کمینه استنادها به‌ازای هر مقاله و هر شماره چگونه است؟
۳. توزیع انواع منابع اطلاعاتی مورد استناد چگونه است؟
۴. میزان استنادهای مقاله‌های مورد بررسی از نظر زبان چگونه است؟
۵. توزیع کتاب‌ها و مقاله‌های مورد استناد از نظر تألیفی و ترجمه چگونه است؟
۶. پراستنادترین نویسندگان و مترجمان کدام‌اند؟
۷. پراستنادترین کتاب‌ها، مجلات و مقاله‌ها کدام‌اند؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌صورت پیمایشی و با استفاده از روش تحلیل استنادی - یکی از متداول‌ترین فنون کتاب‌سنجی - انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه را مقاله‌های

شماره ۱ تا ۲۸ فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی تشکیل می‌دهد که از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ منتشر شده‌اند. نخست، مقالات مجله مورد مطالعه اولیه قرار گرفت و در نهایت ۲۲۶ مقاله بدون در نظر گرفتن سرمقاله‌ها و گزارش تحقیقی بررسی شد. اطلاعات هر مقاله و داده‌های مربوط به استنادهای آن استخراج و سپس براساس پرسش‌های پژوهش، در فایل‌های مشخصی با استفاده از نرم‌افزار اکسل سازمان‌دهی و تحلیل شد. همچنین، وضعیت هم‌تألیفی پدیدآورندگان مقاله‌ها به تفکیک نام نویسندگان و وابستگی سازمانی آن‌ها بررسی شد. به منظور دیداری‌سازی^۱ شبکه هم‌تألیفی مؤسسات مشارکت‌کننده از نرم‌افزار پاژک^۲ استفاده شد.

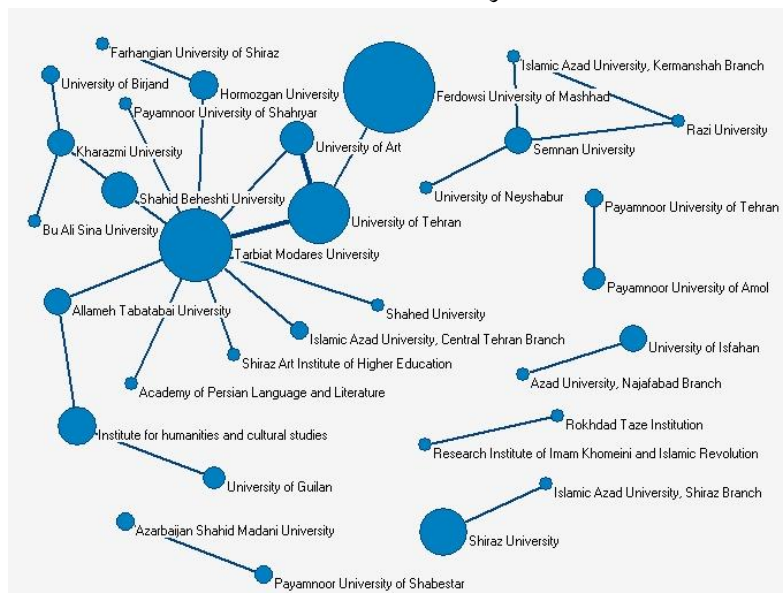
۳. یافته‌ها

۳-۱. هم‌تألیفی پدیدآورندگان

در نگارش مقاله‌های منتشرشده در فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳، ۲۴۱ نفر نویسنده (در مقام نویسنده مسئول و نویسنده همکار) از ۶۲ مؤسسه شرکت کرده‌اند. ۳۸/۵۰ درصد نویسندگان مقالات روابط هم‌تألیفی دارند. از میان مقاله‌های مورد مطالعه، ۱۳۹ مقاله (۶۱/۵۰ درصد) به صورت یک‌نویسنده، ۶۶ مقاله (۲۹/۲۱ درصد) به شکل دونویسنده، ۱۷ مقاله (۷/۵۲ درصد) به صورت سه‌نویسنده و ۴ مقاله (۱/۷۷ درصد) به شکل چهارنویسنده به رشته تحریر درآمده‌اند. ابوالفضل حری با ۶ مقاله و داوود عمارتی‌مقدم و مریم صالحی‌نیا هریک با ۵ مقاله پرکارترین نویسندگان این مجله هستند. همچنین، دانشگاه فردوسی مشهد با ۴۵ مقاله در صدر مؤسسات پدیدآور مقاله‌های نقد ادبی قرار دارد و دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز به ترتیب با ۲۸، ۲۱ و ۱۲ مقاله در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. از نظر مشارکت بین‌المللی نیز، دانشگاه آلبرتا کانادا، دانشگاه پل ورن فرانسه و دانشگاه بین‌الملل تاجیکستان در تولید ۳ مقاله این مجله مشارکت داشته‌اند.

شبکه هم‌تألیفی مؤسسات پدیدآور مقالات فصلنامه نقد ادبی در شکل ۱ دیداری‌سازی شده است. در این شبکه، هریک از گره‌ها به یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات اختصاص یافته است. تعداد خط‌ها نشان‌دهنده تعداد مشارکت هر مؤسسه در

تألیف مقالات و اندازه خط‌ها بیانگر تعداد مقالات حاصل از هم‌تألیفی بین مؤسسات است. همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین همکاری به‌وسیله دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است. گره بزرگ این دانشگاه بیانگر این است که دانشگاه تربیت مدرس به‌صورت جداگانه و درون‌دانشگاهی نیز، مقالات متعددی را تألیف کرده است. همچنین، با نگاهی به این شکل درمی‌یابیم که پژوهشگران دانشگاه تهران، دانشگاه خوارزمی و دانشگاه سمنان در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها، همکاری علمی بیشتری با پژوهشگران دانشگاه‌های دیگر در تألیف مقالات داشته‌اند. با آنکه گره دانشگاه فردوسی مشهد از بقیه گره‌ها بزرگ‌تر و نشان‌دهنده تعداد زیاد تألیفات این دانشگاه است، فقط با دانشگاه تهران همکاری داشته است.



شکل ۱ هم‌تألیفی مؤسسات پدیدآور مقالات مجله نقد ادبی

۲-۳. ویژگی‌های استنادی مقاله‌ها

تعداد کل استنادهای مقاله‌های این مجله ۴۹۵۴ مورد است. میانگین استناد برای هر مقاله ۲۱/۹ و میانگین استناد برای هر شماره ۱۷۶/۹ است. در میان کل مقاله‌ها، بیشترین میزان استناد مربوط به مقاله «مخاطب‌شناسی حافظ در سده‌های هشتم و نهم هجری

براساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک» با ۱۴۸ استناد، تألیف محمود فتوحی و محمد افشین‌وفایی است. همچنین، دوره اول و پنجم با میانگین استناد ۱۹/۴ و دوره سوم با میانگین استناد ۲۸/۵، به ترتیب دارای کمترین و بیشترین تعداد استناد شناخته شدند (جدول ۱).

جدول ۱ میانگین استنادی مقاله‌ها به تفکیک دوره و سال

دوره	سال	میانگین استنادها	دوره	سال	میانگین استنادها
۱	۱۳۸۷	۱۹/۴	۵	۱۳۹۱	۱۹/۴
۲	۱۳۸۸	۲۰/۸	۶	۱۳۹۲	۲۰/۱
۳	۱۳۸۹	۲۸/۵	۷	۱۳۹۳	۲۷/۳
۴	۱۳۹۰	۲۰/۲			

۳-۳. توزیع انواع اطلاعاتی مورد استناد

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، در میان منابع اطلاعاتی، کتاب‌ها و مجموعه‌مقالات با بیشترین میزان استناد (۳۷۷۷ استناد) ۷۶/۲۴ درصد در جایگاه اول قرار گرفتند. پس از آن، مجلات با ۲۱/۱۶ درصد از استنادها (۱۰۴۸ استناد) در مرتبه دوم و منابع اینترنتی با ۱/۵۱ درصد از استنادها در مرتبه سوم جای گرفتند. پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری در مجموع ۰/۷۳ درصد از استنادها را به خود اختصاص دادند. کمترین میزان استناد با ۴ مورد (۰/۰۸ درصد) مربوط به روزنامه است.

جدول ۲ توزیع انواع منابع اطلاعاتی و میزان استناد به آن‌ها

ردیف	منبع اطلاعاتی	فراوانی	درصد
۱	کتاب و مجموعه مقاله	۳۷۷۷	۷۶/۲۴
۲	مجله	۱۰۴۸	۲۱/۱۶
۳	منابع اینترنتی	۷۵	۱/۵۱
۴	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۲۶	۰/۵۳
۵	رساله دکتری	۱۰	۰/۲۰
۶	مجموعه مقاله کنفرانس	۱۴	۰/۲۸
۷	روزنامه	۴	۰/۰۸
۹	جمع کل	۴۹۵۴	۱۰۰

۳-۴. میزان استنادها از نظر زبان

از مجموع استنادهای به کاررفته، ۳۴۲۱ مورد (۶۹/۰۵ درصد) به زبان فارسی، ۱۲۷۸ مورد (۲۵/۸۰ درصد) به زبان انگلیسی، ۲۰۸ مورد (۴/۲۰ درصد) به زبان عربی و ۴۷ مورد (۰/۹۵ درصد) به زبان‌های دیگر است.

۳-۵. توزیع کتاب‌ها و مقاله‌های مورد استناد از نظر تألیفی و ترجمه

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، ۱۸۶۰ مورد (۶۸/۲۳ درصد) از کل کتاب‌ها و مجموعه‌مقاله‌های فارسی مورد استناد تألیفی و ۸۶۶ مورد (۳۱/۷۷ درصد) ترجمه شده است. در مجموع، ۶۳۲ مقاله از ۱۰۴۸ مقاله مورد استناد، به زبان فارسی است که از بین آن‌ها، مقاله‌های تألیفی با ۵۲۵ مورد از نظر تعداد استناد، در مرتبه اول قرار دارد و ۱۰۷ مورد از مقاله‌ها ترجمه است.

۳-۶. پراستنادترین نویسندگان و مترجمان

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، پراستنادترین نویسندگان ایرانی محمدرضا شفیعی کدکنی و سیروس شمیسا هریک با ۳۷ استناد، بابک احمدی و مصطفی رحماندوست هریک با ۳۶ استناد و محمود فتوحی با ۳۴ استناد هستند. همچنین، پراستنادترین نویسندگان خارجی، تزوتان تودروف^۳ با ۳۷ استناد، کارل گوستاو یونگ^۴ با ۳۴ استناد و رنه ولک^۵ با ۳۳ استناد هستند. در میان مترجمان نیز، محمد نبوی با ۳۷ استناد، پراستنادترین مترجم در این حوزه است.

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد جز استناد به آثار مصطفی رحماندوست، استناد به آثار گوناگون نویسندگان پراستناد، اغلب با رخداد نسبتاً متوازی در میان استنادها، در طیف گسترده‌ای از مقاله‌های مجله مورد بررسی پراکنده است. همه ۳۶ استناد به آثار مختلف رحماندوست بخشی از استنادهای مقاله «پیوند وزن و محتوا در شعر مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز» (دوره هفتم، شماره ۲۷) است. آثار گوناگون شفیعی کدکنی در مقالات مختلف مجله مورد استناد قرار گرفته است: «صور خیال در شعر پارسی»، «ادوار شعر فارسی»، «شاعر آینه‌ها»، «زبور پارسی»، «موسیقی شعر»، «رستاخیز کلمات» و «در کوچه باغ‌های نیشابور». درباره سایر نویسندگان

پراستناد، نقد ادبی و انواع ادبی در میان آثار شمیسا بیش از بقیه مورد توجه بوده است. بوطیقای ساختارگرا پراستنادترین اثر تودروف شناخته شد. ساختار و تأویل متن پراستنادترین اثر بابک احمدی است. انسان و سمبول‌هایش در میان آثار یونگ پراستنادترین اثر است. نظریه ادبیات و تاریخ نقد جدید پراستنادترین آثار ولک هستند. همچنین، عناصر داستان در میان آثار میرصادقی بیش از بقیه مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

جدول ۳ پراستنادترین نویسندگان

ردیف	نویسنده	تعداد استناد	ردیف	نویسنده	تعداد استناد
۱	محمدرضا شفیعی کدکنی	۳۷	۶	کارل گوستاو یونگ	۳۴
۲	سیروس شمیسا	۳۷	۷	رنه ولک	۳۳
۳	تروتان تودروف	۳۷	۸	صادق هدایت	۳۰
۴	بابک احمدی	۳۶	۹	حسین پاینده	۲۹
۵	مصطفی رحماندوست	۳۶	۱۰	جمال میرصادقی	۲۸

۷-۳. پراستنادترین کتاب‌ها، مجلات و مقاله‌ها

با توجه به جدول ۴، در بین کتاب‌های فارسی ساختار و تأویل متن با ۱۸ استناد، بیش از همه مورد استناد قرار گرفته است. پس از آن، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، بوطیقای ساختارگرا و دست‌نویس دیوان حافظ، هریک با ۱۷ استناد در مرتبه دوم قرار دارند. بررسی‌ها نشان داد در بین کتاب‌های لاتین، A Glossary of Literary Terms با ۱۱ استناد، پراستنادترین است. جز دست‌نویس دیوان حافظ، آثار پراستناد اغلب در مقاله‌های مختلفی مورد توجه بوده است. همه ۱۷ استناد به دست‌نویس دیوان حافظ متعلق به مقاله «مخاطب‌شناسی حافظ در سده‌های هشتم و نهم هجری براساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک» است. همچنین، بوف کور اثر صادق هدایت ۹ بار مورد استناد قرار گرفته که ۷ مورد از این شمار، فقط مربوط به مقاله «موتیف و گونه‌ها و کارکردهای آن در داستان‌های صادق هدایت» (دوره چهارم، شماره ۱۳) است.

جدول ۴ پراستنادترین کتاب‌های فارسی

ردیف	کتاب	تعداد استناد	ردیف	کتاب	تعداد استناد
۱	ساختار و تأویل متن	۱۸	۱۱	مکتب‌های ادبی	۱۰
۲	دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر	۱۷	۱۲	راهنمای نظریه ادبی معاصر	۹
۳	بوطیقای ساختارگرا	۱۷	۱۳	نظریه ادبیات	۹
۴	دست‌نویس دیوان حافظ	۱۷	۱۴	نقد ادبی	۹
۵	عناصر داستان	۱۴	۱۵	انواع ادبی	۹
۶	فرهنگ اصطلاحات ادبی	۱۳	۱۶	پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی	۹
۷	درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات	۱۲	۱۷	سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها	۹
۸	بینامتنیت	۱۱	۱۸	صد سال داستان‌نویسی ایران	۹
۹	نظریه‌های روایت	۱۱	۱۹	مثنوی معنوی	۹
۱۰	تاریخ نقد جدید	۱۰	۲۰	بوف کور	۹

در بین مجلات فارسی، *فصلنامه نقد ادبی* با ۸۲ استناد، پراستنادترین مجله است. *بهار ادب* با ۱۷ استناد پس از آن قرار دارد و مجلات *ادب پژوهی*، *نامه فرهنگستان* و *ارغنون* هر یک با ۱۶ استناد، در مرتبه سوم قرار دارند (جدول ۵). همچنین، در میان مقاله‌های فارسی، «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» با ۳ استناد، پراستنادترین مقاله است. در میان مجلات لاتین، *New literary History* با ۲۲ استناد، پراستنادترین مجله، و *MLQ: Modern Language Quarterly* و *Russian Formalistic Criticism* با ۸ و ۶ استناد، در مرتبه بعدی قرار دارند. پراستنادترین مقاله‌های لاتین نیز به ترتیب "Thematics" با ۶ استناد و "The Contemporary Theory of Metaphor" با ۵ استناد هستند.

جدول ۵ پراستنادترین مجلات فارسی

ردیف	مجله	تعداد استناد	ردیف	مجله	تعداد استناد
۱	نقد ادبی	۸۲	۶	پژوهش‌های ادبی	۱۲
۲	بهار ادب	۱۷	۷	مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد	۱۰
۳	ادب پژوهی	۱۶	۸	پژوهشنامه علوم انسانی	۹
۴	نامه فرهنگستان	۱۶	۹	کتاب ماه ادبیات و فلسفه	۸
۵	ارغنون	۱۶	۱۰	ایران‌نامه	۸

۴. نتیجه

این پژوهش، تصویری از وضعیت استنادی و هم‌تألیفی پدیدآورندگان مقاله‌های فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی را ارائه کرده است. نتایج نشان می‌دهد ۲۲۶ مقاله به وسیله ۲۴۱ نویسنده از ۶۲ مؤسسه به زبان فارسی نگارش یافته است. تعداد کل استنادهای مقاله‌ها ۴۹۵۴ و میانگین استناد برای هر مقاله ۲۱/۹ است.

الگوی مشارکت نویسندگان نشان می‌دهد پژوهشگران نقد ادبی تمایل بیشتری به نگارش مقاله‌های انفرادی (یک‌نویسنده) دارند؛ به طوری که بیش از نیمی (۶۱/۵۰ درصد) از مقالات تولیدشده طی دوره مورد بررسی، به صورت یک‌نویسنده نوشته شده و ۳۸/۵۰ درصد از مقاله‌ها به صورت گروهی بوده است. مطالعات خالقی و دیگران (۱۳۹۳)، علی‌نژاد چمازکتی و دیگران (۱۳۹۳)، آقامحمدی و بصیرنیا (۱۳۹۳) و رضایت (۱۳۹۴) نشان داد بیشتر مقاله‌های مجلات مورد بررسی‌شان به صورت گروهی تألیف شده‌اند. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز مؤسسات پرتولید مقاله‌های نقد ادبی به شمار می‌روند. هم‌تألیفی مؤسسات بیانگر آن است که همکاری پژوهشگران از دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران) و دانشگاه سمنان بیشتر از سایر دانشگاه‌ها بوده است. بدیهی است که همکاری‌های علمی، و عرضه آرا، دیدگاه‌ها و

روش‌های نو با رویکردهای نقادانه در حوزه نقد ادبی، زمینه را برای تضارب آرا و گسترش تفکر انتقادی و نظریه‌پردازی در راستای اهداف مورد نظر فراهم می‌کند. منابع اطلاعاتی مورد استناد در طیف متنوعی از انواع محمل‌های اطلاعاتی وجود دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد بیشترین استناد مربوط به کتاب‌ها و مجموعه‌مقاله‌ها (۷۶/۲۴ درصد) و سپس به مجلات (۲۱/۱۶ درصد) بوده است. به نظر می‌رسد تعداد زیاد انتشار کتب در حوزه نقد ادبی و در عین حال، سرشت ادبی مجله و وجود کتاب‌ها و مجموعه‌های غنی در حوزه زبان و ادبیات فارسی می‌تواند از دلایل احتمالی این امر باشد. برخی پژوهش‌ها مانند پژوهش خالقی و دیگران (۱۳۹۳) و صادقی و دیگران (۱۳۹۴) نشان داد بیشترین استناد در مجلات مورد بررسی آن‌ها به مجلات بوده است. با این حال، مطالعات علی‌نژاد چمازکتی (۱۳۹۳)، زارعی و خداداد شهری (۱۳۹۲)، آقامحمدی و بصیرنیا (۱۳۹۳)، زارعی و صدیقی (۱۳۹۲)، زارعی و دیگران (۱۳۹۴)، محمدی استانی و اصغرپور مهربانی (۱۳۹۰)، همایی و دیگران (۱۳۹۰)، متقی دادگر و دیگران (۱۳۸۸) و کریمی و سلیمانی (۱۳۸۷) نشان داد کتاب و مجموعه‌مقاله‌ها با اختلاف زیادی، در مقایسه با سایر منابع، پراستنادترین بودند. با آنکه منابع اینترنتی در مرتبه سوم قرار دارد، میزان استناد به این گونه منابع کم است (۱/۵۱ درصد)؛ دلیل این امر ممکن است آشنایی کمتر نویسندگان و پژوهشگران با منابع اینترنتی، شیوه‌های دسترسی به آن‌ها و نیز نگارش اطلاعات کتاب‌شناسی این منابع باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۹/۰۵ درصد استنادها به زبان فارسی است که با ساختار مجله و سرشت زبانی حوزه مطالعاتی آن همخوانی دارد. وجود منابع و مجموعه‌های فاخر در زمینه نقد ادبی که به کوشش استادان و پژوهشگران کشورمان تألیف یا ترجمه شده و آرا و نظریه‌های متخصصان صاحب‌نظر و بنام داخل و خارج کشور را در حوزه‌های ادبی به‌ویژه نقد ادبی گردآوری کرده است، نیز می‌تواند از دلایل این امر باشد. همچنین، سهولت خواندن متن‌های فارسی در مقایسه با متن‌های انگلیسی یا هر زبان خارجی دیگر، ممکن است سبب استفاده بیشتر از این منابع باشد. نتایج پژوهش‌های کریمی و سلیمانی (۱۳۸۷)، متقی دادگر و دیگران (۱۳۸۸)، همایی و

دیگران (۱۳۹۰) و سلامی و دیگران (۱۳۹۳) نشان داد که در مجلات مورد بررسی شان زبان غالب استنادها عربی است، به نظر می‌رسد سرشت زبانی این مجلات با توجه به حوزه مطالعاتی‌شان یعنی علوم حدیث، فلسفه و *نهج البلاغه* در این امر اثرگذار بوده است. مطالعات علی‌نژاد چمازکتی (۱۳۹۳)، آقامحمدی و بصیرنیا (۱۳۹۳) نشان داد منابع به زبان فارسی با اختلاف بسیاری، در مقایسه با زبان‌های دیگر، مورد استناد قرار گرفته‌اند؛ با این حال، برخی پژوهش‌ها مانند خالقی و دیگران (۱۳۹۳)، زارعی و صدیقی (۱۳۹۲) و محمدی استانی و اصغریور مهربانی (۱۳۹۰) نشان داد بیشترین استناد در مجلات مورد بررسی آن‌ها مربوط به زبان انگلیسی است. براساس بررسی‌ها، در میان منابع فارسی، کتاب‌ها و مقاله‌های تألیفی بیشتر مورد استناد قرار گرفته که نشان از توجه و تمایل پژوهشگران به منابع بومی است. این یافته با نتایج پژوهش زارعی و صدیقی (۱۳۹۲) و زارعی و خدادشهری (۱۳۹۳) همسوست.

بررسی نویسندگان پراستناد نشان می‌دهد که آثار محمدرضا شفیعی کدکنی، سیروس شمیسا و تزوتان تودروف بیش از همه مورد توجه و استفاده نویسندگان مقاله‌های *نقد ادبی* قرار گرفته است. شفیعی کدکنی، شمیسا، احمدی، رحماندوست، هدایت، پاینده و میرصادقی به‌عنوان پراستنادترین نویسندگان منابع فارسی و تودروف، یونگ و ولک به‌عنوان پراستنادترین نویسندگان خارجی از جمله صاحب‌نظران، محققان و نظریه‌پردازان نامدار ادبیات و نقد ادبی هستند که در تولیدات علمی حوزه نقد ادبی نقش بسزایی داشته‌اند. برای نمونه، استاد شفیعی کدکنی از نظریه‌پردازان صاحب‌نام در زمینه نقد جدید است و طبیعی است که آثار فاخر ایشان در این زمینه مورد توجه محققان حوزه نقد ادبی قرار گیرد. همچنین، درمورد نویسندگان خارجی، با توجه به پررنگ بودن جنبه روایی و جذابیت‌های آن در بسیاری از متون فارسی، بدیهی است که آثار تودروف در زمینه روایت و روایت‌شناسی بتواند بیش از سایر آثار، در کانون توجه پژوهشگران این حوزه قرار گیرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد منابع مورد استناد در طیف وسیعی از آثار پراکنده‌اند. با توجه به گستردگی و تنوع موجود در حوزه نقد ادبی و نیز وجود افراد شاخص با رویکردهای مختلف در زمینه‌های گوناگون این حوزه، این یافته دور از انتظار نیست.

به دلیل ویژگی خاصی که در پژوهش‌های حوزه نقد ادبی وجود دارد، استفاده از تحلیل محتوا و تمرکز بر یک اثر یا آثار یک نویسنده در برخی از مقاله‌ها دیده شد. ۳۶ استناد به آثار مختلف رحماندوست در یک مقاله و استناد مکرر به *دست‌نویس دیوان حافظ* یا *یوسف کور* از آن جمله‌اند که با توجه به موضوعات آن مقاله‌ها توجیه‌پذیرند. تحلیل آثار پراستناد نشان می‌دهد *ساختار و تأویل متن*، *دست‌نویس دیوان حافظ*، *بوطیقای ساختارگرا*، *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر* و *A Glossary of Literary Terms* در میان کتاب‌ها و *فصلنامه نقد ادبی* و *New Literary History* در میان مجلات بیش از همه استفاده شده‌اند. *MLQ: Modern Language Quarterly* و *Russian Formalistic Criticism* در مرتبه بعدی قرار دارند. همچنین، مقالات "Thematics"، "The Contemporary Theory of Metaphor" و «ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» بیش از سایر مقالات توانسته‌اند در کانون توجه پژوهشگران نقد ادبی قرار گیرند. استنادهای دریافتی بیانگر کیفیت خوب این منابع است. بدون تردید، ترغیب نویسندگان به همکاری‌های علمی در میان نویسندگان، صاحب‌نظران و پژوهشگران دانشگاه‌های مختلف کشورمان در حوزه نقد ادبی گامی مؤثر در توسعه نظریه‌پردازی بومی خواهد بود. همچنین، توجه نویسندگان به آثار کلیدی و منابع روزآمد، و نیز بهره‌گیری از مقالات مجلات، نقش بسزایی در افزایش ضریب تأثیر و ارتقای اثرگذاری بیشتر *فصلنامه نقد ادبی* خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Visualization
2. Pajek
3. Tzvetan Todorov
4. Carl Gustav Jung
5. René Wellek

منابع

- آقامحمدی، جواد و غلامرضا بصیرنیا (۱۳۹۳). «تحلیل استنادی مقالات نشریه مهندسی فرهنگی منتشرشده بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲». *فصلنامه مهندسی فرهنگی*. ش ۷۹. صص ۴۵-۶۱.
- ابراهیمی میلاجردی، زینب و نصرت رباحی‌نیا (۱۳۹۳). «مطالعه کمی و کیفی مقالات فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی از سال ۱۳۹۱-۱۳۸۷». *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. ش ۲۰. صص ۴۲۳-۴۴۶.
- خالقی، نرگس، لبانه لطیفی و خدیجه علیپور ندوشن (۱۳۹۳). «تحلیل استنادی مقالات مجله دانشگاه علوم پزشکی قم بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۱». *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*. ش ۳۵. صص ۷۴-۸۰.
- حری، عباس (سروراستار) (۱۳۸۱). *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۱. تهران: کتابخانه ملی.
- رضایت، غلامحسین (۱۳۹۴). «تحلیل محتوا و استنادی مقاله‌های چاپ‌شده در فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی». *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ش ۲۶. صص ۱۰۵-۱۳۸.
- زارعی، عیسی و نیره خداداد شهری (۱۳۹۳). «تحلیل استنادی و محتوایی مقالات فصلنامه مطالعات راهبردی (شماره‌های ۴۶-۶۲)». *مطالعات راهبردی*. ش ۶۳. صص ۱۷۵-۱۹۶.
- زارعی، عیسی و نیره خداداد شهری (۱۳۹۴). «تحلیل محتوایی و استنادی مقالات دوماهنامه جستارهای زبانی (شماره ۱-۲۱) منتشرشده بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳». *جستارهای زبانی*. ش ۲۵. صص ۳۲۷-۳۴۵.
- زارعی، عیسی و زینب صدیقی (۱۳۹۲). «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی منتشرشده بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲». *مطالعات انقلاب اسلامی*. ش ۳۵. صص ۱۹۳-۲۰۹.
- زارعی، عیسی، سیدعلی محمد آذربخش و نیره خدادادشهری (۱۳۹۴). «تحلیل استنادی و محتوایی مقالات فصلنامه مطالعات ملی (شماره‌های ۱۶-۵۸)». *مطالعات ملی*. ش ۶۱. صص ۱۵۱-۱۶۶.
- سلامی، مریم و دیگران (۱۳۹۳). «تحلیل استنادی مقالات بیست‌ودو شماره از فصلنامه "نهج‌البلاغه" منتشره بین سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۳». *النهج*. ش ۴۳. صص ۱۲۱-۱۴۱.
- *سامانه فصلنامه نقد ادبی*، درباره نشریه. بازیابی ۱ آذر ۱۳۹۴. در:

<http://lcq.modares.ac.ir/journal/about>.

- سامانه فصلنامه نقد ادبی، اخبار و اعلانات. بازیابی ۱ آذر ۱۳۹۴. در:

<http://lcq.modares.ac.ir/news?newsCode=380>.

- صادقی، حلیمه، معصومه جلائی فر و غلامرضا شریفزاده (۱۳۹۴). «بررسی ضرب همکاری گروهی، تحلیل محتوایی، استنادی و میزان رعایت شیوه و نکوور در منبع‌نویسی مقالات مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند». *مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*. ش ۶۲. صص ۷۶-۸۲.
- عصاره، فریده (۱۳۷۷). «تحلیل استنادی». *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*. ۹ (۳ و ۴). صص ۴۸-۳۴.
- علی‌گل، مهدی، علیرضا امان‌اللهی و علی‌اصغر فرشاد (۱۳۹۰). «تحلیل استنادی و کمی مقالات فصلنامه علمی پژوهشی سلامت کار ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران». *دوماهنامه سلامت کار ایران*. ش ۸. صص ۵-۱۳.
- علی‌نژاد چمازکتی، فاطمه (۱۳۹۳). «تحلیل استنادی مقالات مجله "مطالعات ادبیات تطبیقی"». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. ش ۳۰. صص ۱۲۹-۱۴۲.
- علی‌نژاد چمازکتی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی شاخص‌های هم‌تألفی در مقالات مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳». *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. ش ۳۳. صص ۹۷-۱۱۷.
- قاضی میرسعید، سیدجواد و دیگران (۱۳۹۳). «تحلیل محتوایی و استنادی مقالات فصلنامه علمی پژوهشی پیاورد سلامت». *اطلاعرسانی پزشکی نوین*. ش ۲. صص ۲۲-۳۲.
- کریمی، رضا و راضیه سلیمانی (۱۳۸۷). «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علوم حدیث». *علوم حدیث*. ش ۴۹ و ۵۰. صص ۴۰۰-۴۲۲.
- متقی دادگر، امین، رضا کریمی و جعفر عباداله عموقین (۱۳۸۸). «تحلیل استنادی مقالات ۳۰ شماره از فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی منتشره بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷». *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*. ش ۴۱. صص ۲۸۷-۳۱۴.
- محمدی استانی، مرتضی و داود اصغرپور مهربانی (۱۳۹۰). «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. ش ۶۸. صص ۱۶۹-۱۹۰.
- همایی، بهروز، راضیه سلیمانی و ابراهیم افشار (۱۳۹۰). «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت فلسفی (شماره‌های ۱-۳۰)». *مجله پژوهش*. ش ۵. صص ۱۷۵-۱۹۴.